

راهکارهای کاهش فشار مالیاتی بر حقوق‌بگیران



این ظرفیت به افزایش دریاقتی کارکنان، تصمیم‌مخض دولت و مجلس را می‌خواهد. منابع قابل وصول باید برآورد و در برابر هزینه‌های کاهش مالیات و پلکان‌ها قرار گیرد. جبران تخفیف حقوق از مسیر افزایش مالیات صرف‌نیز می‌تواند بخشی از منفعت آن را هنگام خرید کالا و خدمات پس بگیرد. مسیر قابل دفاع، تأمین منابع از درآمد و سودی است که با وجود توان پرداخت، سهم قانونی یا متناسب خود را نمی‌پردازد. سهم سازمان امور مالیاتی، شناسایی دقیق، وصول قانونی و رعایت حقوق مودی است؛ سهم سیاست‌گذار بودجه، رساندن نتیجه‌ایسن اصلاحات به فیش حقوق.

سرویس اقتصادی

برندهای فناوری چین برتر از رقبای غربی

شرکت‌های فناوری چین با تکیه بر زنجیره تأمین قدرتمند، سرعت بالای نوآوری و رقابت شدید داخلی، به رقبایی جدی برای برندهای باسابقه غربی تبدیل شده‌اند؛ روندی که بازار دوربین‌های ورزشی، خودروهای برقی و لوازم الکترونیکی را دستخوش تغییر کرده است.

به نوشته هودپوهله، نمونه بارز این تحول را می‌توان در بازار دوربین‌های ورزشی مشاهده کرد؛ بازاری که زمانی تحت سلطه شرکت آمریکایی گوپرو قرار داشت، اما اکنون شرکت‌های چینی DJI و Insta۳۶۰ سهم قابل‌توجهی از آن را به خود اختصاص داده‌اند.

گوپرو در سال ۲۰۱۵ حدود ۶۶ میلیون دوربین فروخت و بیش از ۷۰ درصد بازار دوربین‌های ورزشی را در اختیار داشت. بااین‌حال، ورود رقبای چینی و عرضه محصولات جدید، موقعیت این شرکت را با چالش مواجه کرده است. طبق آمار مطرح‌شده در گزارش، DJI و Insta۳۶۰ اکنون بیش از ۹۰ درصد فروش جهانی دوربین‌های هوشمند قابل‌حمل را در اختیار دارند.

یکی از عوامل اصلی موفقیت برندهای چینی، دسترسی به شبکه گسترده تأمین‌کنندگان قطعات و تولیدکنندگان است. تمرکز این شرکت‌ها در مراکز صنعتی مانند شنژن، امکان کاهش هزینه‌های تولید، تسریع توسعه محصولات و عرضه سریع‌تر فناوری‌های جدید را فراهم کرده است.

رقابت شدید میان شرکت‌های داخلی نیز آن‌ها را به نوآوری مستمر وادار می‌کند. در چنین فضایی، شرکت‌ها برای حفظ سهم بازار ناچارند محصولات خود را با سرعت بیشتری ارتقا دهند و به نیازهای مصرف‌کنندگان پاسخ دهند.

استفاده از اتوماسیون صنعتی و فناوری‌های پیشرفته نیز به افزایش بهره‌وری و تقویت توان رقابتی این شرکت‌ها کمک کرده است. موفقیت برندهای چینی به دوربین‌های ورزشی محدود نیست. این شرکت‌ها در بازار خودروهای برقی، تلویزیون‌های هوشمند و لوازم خانگی باتکی نیز حضور پررنگ‌تری پیدا کرده‌اند.

خودروسازان چینی با عرضه محصولات متنوع و توسعه فناوری باتری، به رقبایی جدی برای خودروسازان اروپایی، آمریکایی و ژاپنی تبدیل شده‌اند. در حوزه لوازم الکترونیکی نیز شرکت‌های چینی توانسته‌اند با ترکیب قیمت رقابتی و امکانات پیشرفته، جایگاه خود را در بازارهای بین‌المللی تقویت کنند.

با وجود این پیشرفت‌ها، شرکت‌های چینی همچنان با موانعی از جمله تعرفه‌های تجاری، محدودیت‌های وارداتی و نگرانی‌های مربوط به امنیت داده‌ها و حریم خصوصی مواجه‌اند.

این محدودیت‌ها می‌توانند ورود محصولات چینی به برخی بازارها را دشوارتر کنند و هزینه توسعه فعالیت‌های بین‌المللی آن‌ها را افزایش دهند.

در مجموع، تجربه شرکت‌های چینی نشان می‌دهد که رقابت در بازار فناوری دیگر صرفاً بر پایه قیمت پایین شکل نمی‌گیرد. دسترسی به زنجیره تأمین کارآمد، سرعت نوآوری و توانایی تبدیل ایده به محصول تجاری، از عوامل تعیین‌کننده در رقابت جهانی هستند.

خبرگزاری مهر

۴ سپر مالی دولت در برابر کم‌پولی

به موجودی این حساب، به‌صورت نامحدود از منابع فدرال رزرو برای تأمین کسری بودجه استفاده کند. در مقایسه با این الگو، یکی از مسائل مهم در اقتصاد ایران، ارتباط نزدیک تأمین مالی دولت با منابع بانکی و بانک مرکزی است. هنگامی که درآمدهای دولت برای پوشش هزینه‌ها کافی نباشد، نحوه جبران این فاصله اهمیت پیدا می‌کند. اگر کمبود منابع از مسیر استقراض مستقیم یا غیرمستقیم از بانک مرکزی و افزایش اضافه‌برداشت‌ها تأمین شود، ممکن است فشار بر پایه پولی افزایش یابد. البته ابزارهایی مانند ریپو یا خطوط اعتباری در همه شرایط و برای همه نهادهای ممنوع نیست؛ محدودیت‌ها به نوع عملیات، طرف معامله و چارچوب قانونی بستگی دارند. بنابراین، مقایسه ایران و آمریکا باید بر اساس قواعد مشخص دسترسی خزانه‌داری به منابع بانک مرکزی انجام شود. نه صرفاً نام ابزارهای مالی، بلکه شرایطی که نیازهای مالی دولت بر تصمیم‌های پولی غلبه پیدا کند، سیاست‌گذار پولی ممکن است برای تأمین مالی دولت یا بازداشت از ذخایر، استفاده از ابزارهای اعتباری و بازپرداخت بانک مرکزی تبدیل شود. تفاوت اصلی میان مدیریت نقدینگی و تأمین مالی پروژه‌ها، در نحوه تأمین منابع، مدت استفاده از آن‌ها و امکان بازپرداخت واقعی نهفته است. در این زمینه، تضایب مالی دولت و کاهش وابستگی به منابع بانک مرکزی، شرط مهمی برای آن است که ابزارهای خزانه‌داری به‌جای تشدید فشارهای پولی، به ثبات مالی کمک کنند.

اقتصاد معاصر

اقتصادی

«خرش مالیاتی» زمانی رخ می‌دهد که افزایش اسمی دستمزد، بدون بهبود متناسب قدرت خرید، شخص را وارد محدوده مشمول یا پلکان بالاتری کند. راه مقابله، تعیین قاعده‌ای روشن برای تعدیل معافیت و مرز پلکان‌ها با تحولات قیمت‌ها در بودجه‌های سالانه است.

۶۶

و وصول‌شده از درآمدهای شناسایی‌شده، کاهش خطا و مدت رسیدگی تسجیده شود.

نمونه‌ای از ظرفیت شناسایی درآمدهای پنهان، پرونده یک شرکت فعال در انبارداری، سردخانه و تجارت میوه و ترهبار در البرز است. بر اساس گزارش منتشرشده، بررسی اسناد این شرکت به‌صورت برگ تشخیص و جرایم عملکرد ۱۴۰۳ به مبلغ ۲۴ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان منجر شد؛ درحالی‌که مالیات ابزازی آن فقط ۱۲ و نیم میلیون تومان بود. این مبلغ هنوز به معنای وصول قطعی نیست، اما فاصله ارقام نشان می‌دهد پیگیری پرونده‌های بزرگ، چه اهمیتی برای تأمین منابع مالیاتی دارد. همچنین سامانه «واکنش ذی‌نفع» که برای مشاهده و تأیید یا رد اطلاعات معاملات معرفی شده، می‌تواند به اصلاح داده و جلوگیری از سوءاستفاده از هویت اقتصادی اشخاص کمک کند. ناگفته نماند که هوشمندسازی مالیاتی اقدامی بسیار مترقی و تجربه‌شده در دنیا برای جلوگیری از فرارهای مالیاتی است؛ اما این رویکرد زمانی به عدالت نزدیک‌تر می‌شود که هم درآمد پنهان را آشکار کند و هم راه اصلاح اطلاعات نادرست را باز بگذارد و البته بیشتر از حقوق‌بگیران، بر شرکت‌های بزرگ متمرکز باشد.

درباره مالیات اضافه حقوق

حمایت از حقوق‌بگیر، علاوه بر اصلاح قانون، به اجرای درست قواعد موجود نیز وابسته است. اعمال دقیق معافیت‌ها، محاسبه صحیح پلکان‌ها و استرداد کسورات اضافی، اقداماتی‌اند که مستقیماً بر دریاقتی فرد اثر دارند. در ابلاغیه سازمان امور مالیاتی که ۱۴ مهر منتشر شد، سازوکار بازگرداندن اضافه‌پرداخت مالیات حقوق روشن‌تر شده است. پس از رسیدگی، احراز اضافه‌پرداخت

هر چند با مجموعه‌ای از اقدامات از جمله تعمیرات و بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده، مدیریت مصرف و توقف صادرات تلاش شده فشار بر شبکه کاهش یابد، اما برآوردها نشان می‌دهد در ماه‌های سرد سال همچنان احتمال وجود ناترازی روزانه حدود ۵۰ تا ۶۰ میلیون مترمکعب نسبت به سال گذشته وجود دارد.

اهمیت همکاری با ترکمنستان نباید فقط در تأمین چند میلیون مترمکعب گاز بیشتر خلاصه شود. یک قرارداد پایدار می‌تواند وابستگی متقابل انرژی میان دو کشور را تقویت کند و روابط اقتصادی و راهبردی ایران با ترکمنستان و آسیای مرکزی را توسعه دهد.

یک قرارداد بلندمدت و اجرایی تبدیل شود؛ قراردادی که حجم، مدت، تعهدات، نحوه پرداخت و امنیت قرارداد در آن شفاف باشد. برای ورود بخش خصوصی و شرکت‌های طرفین نیز وجود سازوکار قابل‌اتکا برای تضمین پرداخت‌ها و کاهش ریسک‌های قراردادی ضروری است. در کنار آن، انتخاب یک فرمول قیمت‌گذاری ثابت و قابل پیش‌بینی، از جمله لوازم الکترونیکی نیز توسعه فناوری باتری، به رقبایی جدی برای خودروسازان اروپایی، آمریکایی و ژاپنی تبدیل شده‌اند. در حوزه لوازم الکترونیکی نیز شرکت‌های چینی توانسته‌اند با ترکیب قیمت رقابتی و امکانات پیشرفته، جایگاه خود را در بازارهای بین‌المللی تقویت کنند.

با وجود این پیشرفت‌ها، شرکت‌های چینی همچنان با موانعی از جمله تعرفه‌های تجاری، محدودیت‌های وارداتی و نگرانی‌های مربوط به امنیت داده‌ها و حریم خصوصی مواجه‌اند.

این محدودیت‌ها می‌توانند ورود محصولات چینی به برخی بازارها را دشوارتر کنند و هزینه توسعه فعالیت‌های بین‌المللی آن‌ها را افزایش دهند.

در مجموع، تجربه شرکت‌های چینی نشان می‌دهد که رقابت در بازار فناوری دیگر صرفاً بر پایه قیمت پایین شکل نمی‌گیرد. دسترسی به زنجیره تأمین کارآمد، سرعت نوآوری و توانایی تبدیل ایده به محصول تجاری، از عوامل تعیین‌کننده در رقابت جهانی هستند.

خزانه‌داری کل کشور به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازوهای مالی دولت در وزارت اقتصاد، برای مدیریت منابع حساب خود نزد بانک مرکزی، چارچوبی سه‌لایه در نظر گرفته است. هدف این چارچوب، تأمین نقدینگی مورد نیاز دولت، مقابله با شوک‌های مالی و مدیریت منابع مازاد است؛ بااین‌حال، نحوه تأمین منابع در زمان کمبود نقدینگی می‌تواند بر رابطه سیاست مالی و پولی اثرگذار باشد.

در این چارچوب، منابع حساب خزانه‌داری به سه بخش تقسیم می‌شوند؛ ذخیره احتیاطی برای پرداخت‌های جاری و بدهی‌های سررسیدشده، ذخیره نقدی برای مقابله با شوک‌های بازار و اختلالات میان‌مدت تأمین مالی و صندوق‌های تثبیت و پس‌انداز برای مالیات مازاد منابع دولت.

اهمیت این تقسیم‌بندی زمانی بیشتر می‌شود که دولت با ناهمگنی میان زمان وصول درآمدها و زمان پرداخت هزینه‌ها مواجه باشد. در چنین شرایطی، خزانه باید بتواند بدون ایجاد اختلال در پرداخت حقوق هزینه‌های جاری و تعهدات مالی، منابع خود را مدیریت کند. مسئله اصلی اما این است که کمبود منابع چگونه جبران می‌شود و آیا این فرایند به استفاده از منابع بانک مرکزی منجر خواهد شد یا خیر.

لایه نخست، ذخیره احتیاطی است که برای تأمین نقدینگی جاری و استمرار پرداخت‌های دولت در نظر گرفته می‌شود. مدیریت این ذخیره می‌تواند بر مبنای بدهی‌های سررسیدشده، شامل اصل و سود بدهی‌ها یا بر اساس فاصله میان دریاقتی‌ها و پرداختی‌های دولت انجام شود. به این ترتیب، خزانه‌داری باید منابع لازم برای تعهدات مالی را در زمان مناسب در اختیار داشته باشد. لایه دوم، ذخیره نقدی است که نقش ضربه‌گیر مالی را ایفا می‌کند. این ذخیره برای شرایطی اهمیت دارد که درآمدهای دولت به‌طور موقت کاهش پیدا می‌کند، وصول منابع با تأخیر مواجه می‌شود یا شوک‌های اقتصادی، تأمین مالی دولت را دشوارتر می‌کند. وجود چنین ذخیره‌ای می‌تواند از افت‌های تفرق فشارهای مالی به سایر بخش‌های اقتصاد جلوگیری کند.

در لایه سوم، صندوق‌های تثبیت و پس‌انداز قرار دارند که هدف آن مدیریت منابع مازاد و مقابله با نوسانات ساختاری درآمدهاست. در صورت برچورداری دولت از منابع مازاد، مدیریت این منابع می‌تواند به ایجاد ظرفیت مالی برای دوره‌های کمبود درآمد کمک کند. البته تحقق این هدف به وجود مازاد واقعی، قواعد مشخص برای برداشت و واريز منابع و تضایب مالی وابسته است.

از ریزش خطوط اعتباری

برای مدیریت کمبود نقدینگی و شرایط بحرانی، ابزارهایی مانند خطوط اعتباری بانکی، عملیات ریپو، اضافه‌برداشت قانونی، بازخريد اوراق و استفاده از دارایی‌های شیعقد مطرح هستند. این ابزارها به

نظر سازوکار و آثار پولی یکسان نیستند و تأثیر هرکدام به شرایط استفاده از آن‌ها بستگی دارد. عملیات ریپو به‌طور ساده، توافقتی

دستمزد، بدون بهبود متناسب قدرت خرید، شخص را وارد محدوده مشمول یا پلکان بالاتری کند. راه مقابله، تعیین قاعده‌ای روشن برای تعدیل معافیت و مرز پلکان‌ها با تحولات قیمت‌ها در بودجه‌های سالانه است.

این اصلاح باید به نفع حقوق‌های پایین و متوسط هدف‌گذاری شود. افزایش یکسان معافیت برای همه، به درآمدهای بالا نیز تخفیف می‌دهد؛ بنابراین دولت و مجلس باید ترکیبی از معافیت مناسب و پلکان‌های واقعاً تصاعدی برگزینند. اجرای تغییر نرخ و معافیت هم نیازمند مجوز قانونی است.

دریافت سهم مالیاتی سوده‌ای بزرگ

برای تأمین منابع این اصلاح، تمرکز بر بنگاه‌های بزرگ و سودآور اهمیت دارد؛ به‌ویژه جایی که انباشت معافیت‌ها، سهم مالیاتی را به‌شدت کاهش داده است. البته بسیاری از شرکت‌ها مالیات می‌پردازند. مسئله، تشخیص فاصله میان ظرفیت اقتصادی و مالیات واقعی هر فعالیت است.

برای این ارزیابی باید دید چه سهمی از سود هر شرکت بابت مالیات پرداخت می‌شود. در قانون بودجه ۱۴۰۵، حداقل نرخ مؤثر ۱۰ درصدی برای سود مشمول و معاف مازاد بر ۲۰ میلیارد تومان اشخاص حقوقی، با استثناهای مقرر، پیش‌بینی شده است. **صورت‌حساب برای معافیت‌های بزرگ** حذف معافیت‌های غیرضرور و محدودسازی امتیازهای کم‌اثر، یکی از منابع قابل بررسی برای کاهش مالیات حقوق است. معافیت، درآمدی است که دولت با هدفی مشخص از دریافت آن صرف‌نظر می‌کند؛ بنابراین باید مانند هزینه بودجه‌ای،

برای تأمین منابع مالیاتی، تمرکز بر بنگاه‌های بزرگ و سودآور اهمیت دارد؛ به‌ویژه جایی که انباشت معافیت‌ها، سهم مالیاتی را به‌شدت کاهش داده است. هر چه شناسایی درآمد پنهان توسعه صورت‌حساب الکترونیکی و حسابرسی سیستمی دقیق‌تر شود، ظرفیت تأمین منابع از خارج حلقه مؤدیان شفاف بیشتر خواهد شد.

۶۶

تجارت با ترکمنستان لشکر ثبات شبکه گازی کشور

از سوی دیگر، وقتی گاز کافی به نیروگاه‌ها نمی‌رسد، گازوئیل به‌عنوان سوخت جایگزین وارد مدار می‌شود؛ سوختی که می‌توانست به‌جای مصرف داخلی، صادر شود و برای کشور درآمد ارزی ایجاد کند. برآوردهای انجام‌شده نشان می‌دهد استفاده از گاز وارداتی به‌جای گازوئیل در نیروگاه‌های می‌تواند از حدود شش میلیارد دلار زیان ارزی سالانه جلوگیری کند. در چنین شرایطی، واردات گاز دیگر صرفاً یک گزینه تجاری نیست؛ بلکه می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مکمل برای عبور از پیک مصرف زمستانی مورد توجه قرار گیرد. افزایش تولید داخلی و اصلاح الگوی مصرف، راهکارهای ضروری و بلندمدت هستند، اما اجرای آن‌ها زمان می‌برد. واردات، در مقابل، می‌تواند در کوتاه‌مدت بخشی از شکاف عرضه و تقاضا را پوشش دهد؛ به‌ویژه در مناطقی که دسترسی به منابع جایگزین محدودتر است.

اهمیت همکاری با ترکمنستان

در میان گزینه‌های منطقه‌ای، ترکمنستان از مزیت مهمی برخوردار است؛ ایران و ترکمنستان سال‌هاست از طریق خطوط انتقال موجود با یکدیگر تبادل گاز دارند. وجود زیرساخت و سابقه همکاری، به این معناست که افزایش واردات الزاماً به معنای ساخت یک مسیر کاملاً جدید نیست. هم‌چونای دو کشور و نزدیکی منابع ترکمنستان به شمال و شمال‌شرق ایران نیز می‌تواند این مسیر را از نظر زمان و هزینه انتقال، به گزینه‌ای قابل‌اتکا تبدیل کند.

اما اهمیت همکاری با ترکمنستان نباید فقط در تأمین چند میلیون مترمکعب گاز بیشتر خلاصه شود. یک قرارداد پایدار می‌تواند وابستگی متقابل انرژی میان دو کشور را تقویت کند و روابط اقتصادی و راهبردی ایران با ترکمنستان و آسیای مرکزی

حقوق هنوز به حساب کارمند نرسیده، مالیات آن محاسبه شده است اما درآمدهای پنهان و بعضی سوده‌ای بزرگ، برای رسیدن به مرحله تشخیص و وصول، به بررسی‌های پیچیده‌تری نیاز دارند. این تفاوت در قابلیت وصول، در اقتصادی تورمی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

حقوق‌بگیر معمولاً نمی‌تواند دستمزد خود را هم‌زمان با افزایش قیمت‌ها تغییر دهد و اگر درآمد اسمی او برای جبران بخشی از گرانی بالا برود، ممکن است سهم بیشتری از همین افزایش نیز مشمول مالیات شود.

بر اساس گزارش مرکز آمار، تورم نقطه‌به‌نقطه شهریور ۱۴۰۵ به ۸۹٫۸ درصد رسیده است؛ یعنی هزینه خرید سبد مشابه کالا و خدمات به شهرپور پارسال، به‌طور متوسط نزدیک به ۹۰ درصد بیشتر شده است. در چنین وضعی، سنجش توان پرداخت مالیات با عدد اسمی حقوق، تصویر کاملی از وضعیت معیشتی نمی‌دهد.

سپری که تورم فرسوده می‌کند

قانون بودجه ۱۴۰۵ سقف معافیت سالانه مالیات حقوق را به ۴۸۰ میلیون تومان، معادل ماهانه ۴۰ میلیون تومان، رسانده است؛ افزایشی حدود ۶۶ و هفت‌دهم درصد نسبت به سقف ۲۴ میلیون تومانی سال گذشته. این تغییر، در جهت کاهش بار مالیاتی درآمدهای پایین‌تر است. مالیات مازاد نیز پلکانی است و نرخ بالاتر تنها بر بخش درآمد واقع در همان پله اعمال می‌شود. بااین‌حال، تورم طی سال از ارزش واقعی سقف ثابت می‌کاهد. اصطلاحاً «خرش مالیاتی» زمانی رخ می‌دهد که افزایش اسمی

برای تأمین منابع مالیاتی، تمرکز بر بنگاه‌های بزرگ و سودآور اهمیت دارد؛ به‌ویژه جایی که انباشت معافیت‌ها، سهم مالیاتی را به‌شدت کاهش داده است. هر چه شناسایی درآمد پنهان توسعه صورت‌حساب الکترونیکی و حسابرسی سیستمی دقیق‌تر شود، ظرفیت تأمین منابع از خارج حلقه مؤدیان شفاف بیشتر خواهد شد.

۶۶

پیوند نرخ بهره با رفتار اقتصادی شهروندان

«بهره» در گفتار روزمره ما واژه‌ای است که بار حقوقی سنگینی با خود حمل می‌کند. برای یکی، عنوان مفسده است و مصداق ربا برای دیگری، حق قانونی طلبکار در برابر گذشت زمان. اما آنچه کمتر به آن پرداخته شده، این است که نرخ بهره در نظام حقوقی ایران، پیش از آنکه یک عدد اقتصادی باشد، یک نهاد حقوقی است که در متون قانونی متعدد تعریف، تحدید و تنظیم شده است.

در نوشتار حاضر، می‌کوشم پیوند میان این نهاد حقوقی و رفتار اقتصادی شهروندان را بررسی کنم و نشان دهم چرا فهم حقوقی نرخ بهره، شرط لازم سیاست‌گذاری درست اقتصادی است.

نخستین پرسشی که هر حقوقدان یا ما مواجه است، این است: آیا بهره در نظام حقوقی ایران مشروع است؟ پاسخ، نه ساده است و نه متعلق قانون‌گذار ما با ظرفاتی خاص، میان «ربا» که در اصل ۲۴ قانون اساسی و ماده ۵۱۵ قانون مدنی تحریم شده است- و «خسارت تأخیر تأدیه» که در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مورد پذیرش قرار گرفته است- تفکیک قائل شده است.

ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «در دعای که موضوع آن دین و از نوع وجه نقد است... در صورتی که داین طبق قانون یا قرارداد، وجه را در موعد مقرر مطالبه نکرده باشد، به ازای تأخیر، خسارت تأخیر تأدیه به نرخ روز پرداخت می‌شود» این ماده، در واقع پلی است میان حقوق و اقتصاد؛ زیرا «نرخ روز» که همان شاخص تورم و نرخ بهره است، مبنای محاسبه خسارت قرار گرفته است.

اگر مدتی در دادگاه‌ها گردانده باشید، حتماً دیده‌اید که پرونده‌های مطالبه وجه نقد، چگونه به آینه رفتار اقتصادی جامعه تبدیل شده‌اند. وقتی نرخ سود بانکی بالا می‌رود، پرونده‌های مطالبه خسارت تأخیر تأدیه افزایش می‌یابد. وقتی نرخ بهره در پایین می‌آید، سرمایه به سمت بازارهای دیگر - مسکن، خودرو، ارز- سرازیر می‌شود و دعای حقوقی مربوط به این حوزه‌ها فروزی می‌گیرد.

این همان چیزی است که در ادبیات حقوقی جهان به آن «تحلیل اقتصادی حقوق» یا Law and Economics می‌گویند. مکتبی که معتقد است قواعد حقوقی، ابزاری برای تنظیم رفتار انسان‌ها هستند و نرخ بهره، یکی از مؤثرترین این ابزارهاست. هال و وودفورد، اقتصاددانانی که امسال نوبل گرفتند، نشان دادند که بدون فهم رفتار نرخ بهره، هیچ سیاست کلانی موفق نیست. حقوقدان نیز سال‌هاست همین را می‌گویند: قانونی که با طبیعت انسان سازگار نباشد، اجرا نمی‌شود.

اجازه دهید سه پدیده حقوقی را که مستقیماً با نرخ بهره گره خورده‌اند، یادآور شوم: نخست، ربا و قراردادهای بانکی. قانون محلیه بانک می‌دودن ربا، با طراحی عقود و مضاربه، مشارکت مدنی و فروش اقسایی، کوشیده است تا صورت بهره را از معاملات بانکی حذف کند. با این حال، مناقشات فقهی و حقوقی در این زمینه همچنان ادامه دارد.

دوم، خسارت تأخیر تأدیه. این نهاد حقوقی، نمونه‌ای بارز از اثرگذاری نرخ بهره است. وقتی تورم افسارگسیخته شود، خسارت تأخیر تأدیه نیز افزایش می‌یابد و از طرف دیگر، خطر آن را دارد که به سوءاستفاده طلبکاران و اطاله دادرسی دامن بزند. سوم، ورشکستگی و تصفیه در پرونده‌های ورشکستگی. نرخ بهره در تعیین ارزش بدهی‌ها و اولویت طلبکاران نقشی اساسی دارد. حقوقدان ما، در این زمینه نیازمند بازنگری است.

به نظر می‌رسد نظام حقوقی ایران، به دو تغییر جدی نیاز دارد: ۱. بازسازی مفهوم بهره. روشن است که ابهام در تفکیک بهره و سود، ایجاد اختلاف میان مراجع قضایی و شهپات اقتصادی بسیاری را به همراه داشته است. قانون‌گذار با تدوین یک تعریف جامع از «بهره قانونی»، از تفسیر متعارض جلوگیری کند. ۲. پیوند سیاست پولی با حقوق قراردادها. همان‌طور که نرخ بهره بر رفتار اقتصادی اثر می‌گذارد، باید سیاست‌گذاری پولی کشور نیز با اقتضات حقوقی توجه کند. به‌عنوان مثال، بالا بردن نرخ بهره بدون توجه به اثر آن بر قراردادهای موجود و دعای جاری، می‌تواند پیامدهای اجتماعی سنگینی در پی داشته باشد.

بهره، تنها یک عدد نیست. یک نهاد حقوقی است که در بطن معاملات روزمره مردم جریان دارد. اقتصاد و حقوق را نمی‌توان از هم جدا کرد. همان‌طور که اقتصاددانان امروز به اهمیت «مبنای‌های خرد» می‌پردازند، حقوقدانان ما نیز باید به‌یزدیک که قواعد حقوقی، پیش از هر چیز، رفتار آدم‌ها را شکل می‌دهند. اگر سیاست‌گذاری اقتصادی کشور می‌خواهد موفقیت برسد، باید فهم رفتار انسان‌ها- همان رفتاری که در دادگاه‌ها می‌بینیم- دقیق‌تر باشد. این وظیفه‌ای مشترک میان اقتصاددانان و حقوقدانان است.

علی جوان‌یخت لاله